

تاریخچه دانشکده داروسازی: دارالفنون



دکتر مجتبی سرکندی

واحد علمی شرکت سهامی دارو

مقدمه:

بعد از ظهور و گسترش اسلام، طب قرآنی گسترش پیدا کرد که به سه فصل بزرگ تقسیم می شود:

۱- طب

الف - پیدایش آدمی که رشد، نمو و ترقی وی را شامل است.

ب - طرز پرستاری و شیر دادن کودک

ج - تشریح و بیماری شناسی

د - درمان

۲- بهداشت

الف - توجه به بیماری ها و پیشگیری از آنها و

در دوران ساسانیان، دانشگاه جندی شاپور در باروری علوم به خصوص پزشکی و داروسازی نقش بزرگی ایفا نموده است. از کتب و رسالات طبی آن دوران چنین مستفاد می شود که طب بر دئونوع بوده است:

۱- طب جسمانی

۲- طب روحانی

و طب روحانی بر طب جسمانی ارجحیت داشته، از نکات برجسته این زمان انجام تحقیقات زیادی در زمینه گیاهان دارویی می باشد.

بهداشت و سلامت شخصی

ب - بهداشت اجتماعی

ب - توجه به بهداشت در موضوعات جنسی

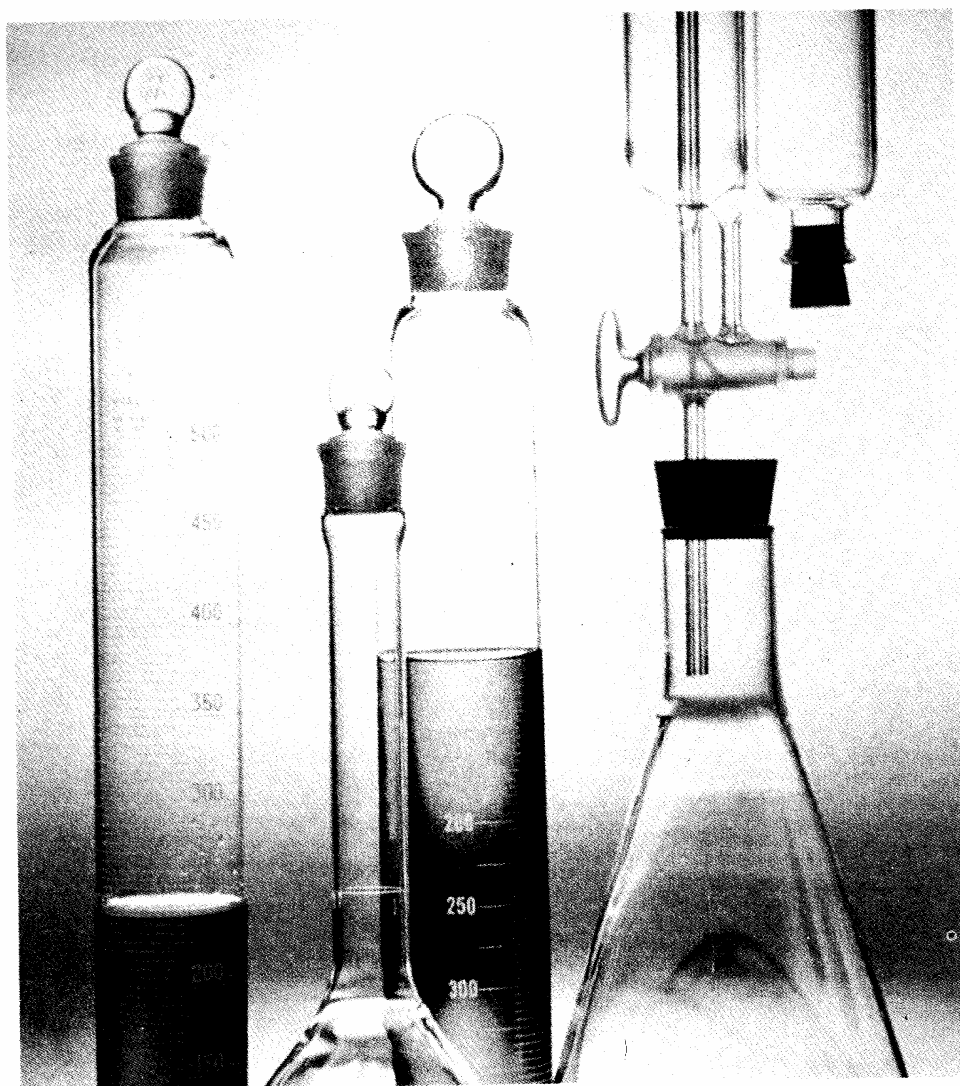
ج - سایر موضوعات از قبیل: روزه، تطهیر، استراحت،
خفته و ...

۳- نگهداری سلامتی و تندرستی

الف - دقت در غذا و عدم اسراف آنها و اجتناب از

خوردن گوشت‌های مضره و الکل

بدین مناسبت طب و داروسازی در تمدن اسلامی
نیز پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشته است و امثال رازی،
اهوازی، ابن‌سینا و جرجانی توانستند ستارگان آسمان



دانش پزشکی و داروسازی باشند.

حمله مغول که با هیچ گونه مظاهر فکری قابل اعتنا همراه نبود، باعث شد تا ارزش‌های مادی و معنوی در مملکت سقوط کند و خاک ایران به چنان شوره‌زاری تبدیل گردد که نادر دانشمندانی از آن برخیزند. این روند تا دوران قاجاریه ادامه پیدا کرد و در دوران قاجاریه به واسطه بی‌توجهی شاهان، جنگ‌های داخلی، آشوب‌ها و حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، ایران وارد دوران انحطاط کامل علمی، سیاسی و اقتصادی می‌شود. دول استعمار طلب از این نقطه ضعف استفاده کرده و به بهانه آشنا ساختن ایرانیان با علوم جدید و بسط روابط تجاری، هیات‌هایی را به ایران روانه ساختند که بیشتر به دنبال منافع سیاسی کشورهای خودشان بودند. (۱ و ۲)

در چنین شرایطی، اندیشه تأسیس دارالفنون از مغز امیرکبیر سرچشمه گرفت. وی که دریافته بود ایران احتیاج به افراد کاردان دارد و مستشاران خارجی کاری

❑ در آزمایشگاه فیزیک، شیمی و داروسازی دارالفنون ترکیبات دارویی از قبیل سولفات دوزنگ، سولفات دوفر، اسید دوپتاس و ... ساخته می‌شد.

برای این ملت انجام نمی‌دهند، می‌خواست برای رفع احتیاج، در پایتخت، مرکزی برای تربیت و تعلیم جوانان ایرانی آماده کند. ازاینرو پس از اندک آرامشی که در ایران پدیدار شد، به تأسیس دارالفنون همت گماشت.

نظر امیر در تأسیس دارالفنون، آشنا کردن مردم

ایران با صنایع، حرف و فنون جدید اروپا و انتشار آنها در ایران بوده است. به همین منظور در شمال شرقی ارگ شاهی که قبلاً سرباز خانه بود، شروع به ساختمان مدرسه کردند. تا یک سال کارچندان پیشرفت نداشت و چون امیر می‌خواست زودتر نتیجه بگیرد، میرزا رضای مهندس را مأمور تهیه نقشه ساختمان کرد که در همان سال قسمت شرقی آن خاتمه یافت و دو سال بعد، ساختمان دارالفنون به اتمام رسید.

معلمینی که امیر برای مدرسه خود می‌خواست در ایران نبودند و ناچار می‌بایست از خارج استخدام شوند بنابراین امیر به موسیو جان داود (عضو وزارت خارجه و مترجم دولت ایران) مأموریت داد تا ۶ معلم برای درس ذیل از آلمان و اتریش استخدام کند: معلم پیاده نظام (یک نفر)، معلم سواره نظام (یک نفر)، معلم علم هندسه (یک نفر)، معلم علم معادن (یک نفر)، معلم توپخانه (یک نفر) و معلم طب و جراحی و تشریح (یک نفر).

بالاخره جان داود پس از یک سال با شش نفر معلم اتریشی و یک تن ایتالیایی به ایران بازگشت. این ایتالیایی، معلم دواسازی بود و جان داود توانست به امیر تفهیم کند که طب جدید بدون اطلاع بر داروسازی بی‌فایده است. (۳)

پس از ورود معلمین و پایان یافتن ساختمان شرقی مدرسه، کارهای مقدماتی آن شروع شد. در آغاز کار، چون معلمان اروپایی در دارالفنون تدریس می‌کردند و سروکار مأمورین اروپایی علی‌الرسم با وزیر امور خارجه بود، سرپرستی مدرسه نیز به میرزا محمد علیخان شیرازی، وزیر امورخارجه، سپرده شد، چنانکه در روز افتتاح نیز وزیر امورخارجه طرف خطاب شاه و مأمور معرفی اشخاص بود.

درس‌های اساسی مدرسه عبارت بود از: مهندسی،

دواسازی، طب و جراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و معدن شناسی. شاگردان هر درس یا هر رشته کلاس خاصی داشتند که به اسم همان درس خوانده می‌شد، مثلاً «اتاق دواسازی». با اینکه معلمین دارالفنون اتریشی و ایتالیایی بودند، زبان تدریس دارالفنون فرانسه بود.

در ابتدا هیأت آموزشی مدرسه، هفت نفر بودند که بعداً گسترش یافت و به مرور زمان ۴۳ نفر اروپایی و ۲۳ نفر ایرانی در آنجا تدریس کردند. در این مقاله تنها از معلمین طب و داروسازی نام برده می‌شود و فقط احوال معلمین داروسازی به تفصیل ذکر می‌گردد:

۱- **دکتر پولاک (Polak):** معلم طب و جراحی بود اما سمت خویش را دواسازی نوشته است. وی از همه همکاران خود در ایران معروفتر بود زیرا با کمک شاگردان خود یک رشته تالیفات طبی به یادگار گذاشته است. مترجم او محمدحسین خان قاجار بود. پولاک پس از ده سال اقامت در ایران به وطن خود بازگشت و کتابی به نام «ایران، سرزمین و مردم آن» نوشت.

۲- **دکتر شلمیر (Schlimmer):** اصلاً هلندی بود. وی پیش از تأسیس دارالفنون به ایران آمد و چندی در رشت مقیم بود و در نواحی طالش به مطالعه و معالجه

▣ **طب و داروسازی در تمدن اسلامی**
پیشرفت فوق العاده‌ای داشته و
امثال رازی، اهوازی، ابن سینا و
جرجانی توانستند ستارگان آسمان
دانش پزشکی و داروسازی باشند.

جذام اشتغال داشت. پس از آنکه دکتر پولاک طیب مخصوص ناصرالدین شاه شد از دکتر شلمیر برای

تدریس طب در دارالفنون استفاده کردند. او به کمک شاگردان خود کتبی چند در طب نوشت و به چاپ رسانید که از کتب ممتاز فن طب در ایران می‌باشد. (۳ و ۴) دکتر شلمیر تا سال ۱۲۴۴ معلم طب دارالفنون بود.

کتاب لغت شلمیر شاهکار طبی وی است. آن روز که این لغت‌نامه به چاپ رسید، به طور قطع تنها فرهنگ طبی و داروسازی برای پزشکان و طالبان طب و داروسازان ایران به شمار می‌رفت. چاپ اول این کتاب به سال ۱۲۵۲ شمسی (۱۸۷۴ میلادی) به قطع رحلی با چاپ سنگی در ۵۷۰ صفحه، به اضافه ۳۷ فهرست فارسی، چهار صفحه مقدمه و یک صفحه اختصارات به زبان فرانسوی می‌باشد. این لغت‌نامه آخرین تألیف شلمیر است، کتاب‌های دیگر وی در حقیقت ترجمه‌ای از کتب طبی اروپایی‌اند، در صورتی که لغت‌نامه چنین نیست. لغت‌نامه شلمیر یک دایرةالمعارف مختصر طبی، درمانی و داروشناسی بوده که نه تنها در زمان خودش بلکه اکنون نیز مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. (۵)

۳- **دکتر آلبو (Albu):** معلم طب فرنگی

۴- **دکتر ژرژ:** معلم امراض داخلی

۵- **دکتر گاله (Gualet):** معلم جراحی

۶- **دکتر گاشه (Gachet):** معلم امراض داخلی

۷- **دکتر بازیل:** معلم طب جدید

۸- **دکتر دوشن (Duchesne):** معلم امراض خارجی

۹- **دکتر تولوزان (Tholozan):** سرپرستی رشته طب

۱۰- **دکتر شنیدر (Schneider):** بعد از تولوزان،

سرپرستی رشته طب

۱۱- **دکتر راتولد (Ratulde):** معلم امراض چشم

۱۲- **موسیو فوکی تی (Fochettie):** معلم طبیعیات

که مترجمش میرزا رضای کاشانی بود. وی فیزیک،

□ یکی از مسایلی که توسط معلمین دارالفنون به امیرکبیر تفهیم شد این نکته بود که طب جدید بدون اطلاع بر داروسازی مفید فایده نیست.

شیمی و داروسازی درس می داد و تا سال ۱۲۴۳ ه. ش. غالباً از روی نقشه و تصویر مطالب را به شاگردان می آموخت و تا سال ۱۲۵۰ ه. ش. در ایران بود و پس از آن به ایتالیا بازگشت.

۱۳- دانتون: برای تدریس علوم طبیعی

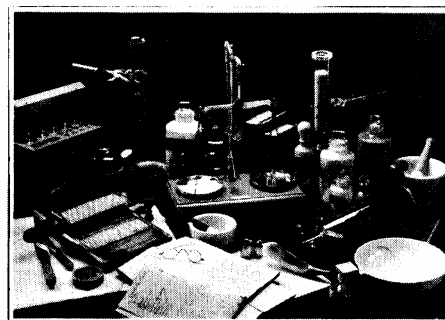
۱۴- میرزا احمد طبیب کاشانی: برای تدریس طب قدیم

۱۵- میرزا رضای دکتر: معلم طب جدید

۱۶- میرزا کاظم محلاتی: از شاگردان دوره اول دارالفنون و از نخستین محصلین اعزامی به اروپا در زمان ناصرالدین شاه بود. وی شاگرد رشته طبیعی و داروسازی و از محصلین خوب بود، به طوری که در گزارش سال اول مدرسه نام او و «باقرخان ولد هادی خان شیرازی» را در وقایع اتفاقیه درج کردند. میرزا کاظم پدر دکتر محمود شیمی بود.

۱۷- میرزا ابوالقاسم حکیم باشی: معلم طب ایران

۱۸- میرزا علی دکتر همدانی: معلم طب جدید



۱۹- میرزا حسین دکتر: معلم طب جدید

۲۰- دکتر ابوالحسن خان بهرامی: معلم محصلین طبقه دوم طب

۲۱- دکتر محمدخان کرمانشاهی: وی اولین پزشکی است که بر مبنای طب پاستور یعنی میکروشناسی طبابت می کرد.

دروس علمی مدرسه در ابتدا به صورت تئوری بود اما پس از یک سال شاگردان طب و جراحی را به مریضخانه بردند و اولین آموزش بالینی آنها در آوردن سنگ مثانه بوده است.

در سال ۱۲۴۳ ه. ش. نیز موسیو فوکو تی به همراه فرخ خان امین الملک به فرنگستان رفت و وسایل یک آزمایشگاه مناسب را با خود به ایران آورد و از آن تاریخ محصلین در آزمایشگاه نیز کار کردند و ظاهراً آزمایشگاه خوبی هم بوده است زیرا دکتر فوریه می نویسد: «لا براتوارهای خوبی در دسترس شاگردان هست تا بتوانند از علم به عمل بپردازند...» (۳ و ۴)

در آن زمان شاگردان علم طبیعی و داروسازی ۴ نفر بودند، که اسامی آنها به شرح ذیل است:

شاگردان مرتبه اول:

۱- باقرخان ولدهادی خان شیرازی

۲- میرزا کاظم محلاتی

۳- میرزا حسن ولد حکیم قآنی

شاگرد مرتبه دوم:

میرزا حیدر علی کاشانی (۴)

از تاسیسات متعلق به دارالفنون یکی کارخانه شمع سازی، دیگری آزمایشگاه فیزیک، شیمی و داروسازی و سومی چاپخانه مخصوص مدرسه بود. در

آزمایشگاه فیزیک، شیمی و داروسازی، دواها و ترکیباتی از نوع سلفات دوزنک، سلفات دوفر، اسید دوپوتاس، سترادوفر، نتراد دارجان و کربنا- دوپتاس می ساختند. بنابراین ساختن داروهای شیمیایی مدرن در ایران از مدرسه دارالفنون آغاز گردید. (۴ و ۶)

پس از میرزا کاظم محلاتی، مسیو روکی بورن و بعد از وی نیز شورین آلمانی جهت تدریس در آموزشگاه داروسازی دارالفنون استخدام شدند. شورین داروخانه‌ای به همین نام در خیابان ناصریه دایر کرد و داروخانه وی، نخستین محلی بود که دواهای فرنگی می فروخت. در ابتدا مشتریان این داروخانه اروپائیان مقیم تهران و اعضای سفارتخانه‌ها بودند اما به تدریج کاروبار داروخانه شورین بهتر شد. پس از چندی مولیون فرانسوی جهت تدریس در دارالفنون استخدام گردید و او نیز داروخانه‌ای با نام خودش تاسیس کرد. پس اولین داروخانه‌ها نیز از مدرسه دارالفنون آغاز شد. (۶)

اما در پایان بایستی ذکر کرد که از دارالفنون هم برای مملکت نتیجه اساسی گرفته نشد. دارالفنون به سعی امیرکبیر تاسیس شد و هنگامی آغاز به کار کرد که موسس آن در فین کاشان منتظر آخرین ضربت مخالفان بود و جانشین او سعی داشت از تاسیس مدرسه‌ای به تربیت اروپایی جلوگیری کند. دارالفنون در دوره هفت سال اول خوب کار کرد و اگر به همان منوال به کار خود ادامه می داد و یا بهتر می توانست ادامه دهد، چه بسا نتایجی سودمند برای مملکت داشت. اما متأسفانه باز رشته کارهای مهم در دست مستوفیان و خدام درباری ناصرالدین شاه ماند، چرا؟ زیرا اولاً به جای اینکه بگذارند مدرسه مجلس درس بحث و پیشرفت علمی باشد، آن را در ردیف موسسات

درباری و تجلی‌گاه تظاهرات و تشریفات سلطنتی درآوردند.

ثانیاً قدرتی که امیرکبیر را از میان برد، می دانست که اگر مدرسه درست و حسابی در کشوری باز شود و شاگردان فهمیده و روشن از آن بیرون آیند، دیگر نمی توان آن جا را استعمار کرد.

در نتیجه طی مدت هفت سال عده شاگردان مدرسه چندان بالا نرفت و در برنامه کار آن تغییری پیدا نشد و به هیچ یک از فارغ التحصیلان دارالفنون و اروپا رفتگان کاری متناسب با تخصص شان رجوع نکردند و در حقیقت همه را عاطل و باطل گذاشتند و از همین جا جدایی آموزشی داروسازی از نیازهای کشور آغاز شد که تاکنون ادامه یافته است.

در نهایت از آبان ۱۲۹۷ ه. ش. رشته طب و داروسازی از دارالفنون جدا شد و به صورت مدرسه‌ای مستقل درآمد که انشاء... طی مقاله‌ای دیگر در مورد آن بحث خواهیم کرد.

منابع:

- ۱- دانشکده داروسازی از آغاز تا امروز؛ اخبار دانشگاه (نشریه داخلی)؛ شماره ۶۴۴ و ۶۴۵؛ صفحه: ۱۲؛ ۱۳۵۶
- ۲- نجم آبادی، م.؛ تاریخ طب در ایران؛ تهران؛ موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران؛ جلد دوم؛ چاپ دوم؛ صفحه: ۱۴۴-۱، ۱۳۶۴
- ۳- محیط طباطبایی؛ مقالاتی درباره دارالفنون؛ شفق سرخ؛ شماره ۲۷۳۷؛ ۱۳۱۳
- ۴- محبوبی اردکان، ح؛ تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران؛ موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران؛ جلد اول، چاپ اول؛ صفحه: ۲۵۳-۳۲۰، ۱۳۵۴
- ۵- نجم آبادی، م؛ شلیمرنامه؛ داروپزشکی (ماهنامه)؛ سال نهم؛ شماره ۷۷؛ صفحه ۵۱۱، ۱۳۵۰
- ۶- نجمی، ن؛ ایران قدیم و تهران قدیم؛ تهران؛ انتشارات جانزاده؛ چاپ سوم، صفحه ۴۵۶-۴۴۷، ۱۳۶۶